

## مریم رزقی راد\*

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۵

# جستاری در باب الگوی درخت زندگی بر مهرهای عیلام باستان

### چکیده

تحول فرم‌های مختلفی از درخت زندگی در دوران پیشاتاریخ و تاریخی، به‌ویژه در فرهنگ‌های شرقی، به برکت بهره‌گیری از مفاهیم مشترکی چون جوانه‌زدن، شاخه‌گسترده‌ن در آسمان و ریشه‌دواندن در خاک به‌عنوان نمادی از زندگی، اندیشه و کمال شناخته شده است. از این رو پژوهش پیش‌رو درصدد است تا با عنایت به این موضوع، پس از بررسی مختصر نقش و جایگاه درخت در فرهنگ‌ها، با مطالعه دیداری الگوی درخت زندگی بر مهرهای عیلام باستان، به تبیین و شناخت رموزها و مفاهیم موجود در این نقش‌مایه و نمادهای مرتبط بپردازد. از معیارهای اولیه انتخاب موضوع درخت زندگی در پژوهش حاضر، استمرار و فراوانی کاربرد این نقش بر مهرهای عیلام و اهمیت نقش آن در طول تاریخ است. این پژوهش به لحاظ هدف، بنیادی، روش‌ارایه آن، توصیفی و تحلیلی است. گردآوری اطلاعات آن بر مبنای کتابخانه‌ای و دیجیتالی است. یافته‌های به دست آمده این پژوهش نشان می‌دهد که درخت زندگی در عیلام دارای جوهر الهی بوده و بر اساس باورداشت‌های بنیادین و نظام باورهای جامعه به نمادی اعتقادی بدل گشته و صورت مثالی درخت به‌عنوان مهم‌ترین منبع زایش و باروری در تمدن عیلام شمرده می‌شد.

### کلیدواژه:

درخت زندگی  
مهرهای عیلام باستان  
زایش و باروری  
خدایان عیلامی

## مقدمه

انسان همواره تجلیات ذهنی خود را از طبیعت در قالب تصاویری بر روی آثار مختلف بازنمایی می‌کرد که برخی از آن‌ها به‌مرور با باورها و اعتقادات او ارتباط مستقیم پیدا نمودند. در طول تاریخ برخی گیاهان و حیوانات با قدرت و قابلیت‌های ذاتی خود، در کنار خدایان و الهه‌ها جنبه تقدس پیدا کرده و در تلقی عامه نیز، به دلیل استدلال‌های تمثیلی و نمادین به موجودات اسطوره‌ای تبدیل شده‌اند. نگاره درخت یکی از عناصری است که به‌صورت مکرر بر روی آثار مختلف ثبت شده، اما در پاره‌ای موارد به‌صورت نقش درخت زندگی با معانی و مفاهیم نمادین همراه شده که قرابت معنایی آن در بسیاری از تمدن‌ها، موجب تبدیل آن به نمادی با مفاهیم مشترک گشته است. مبنای ما بر این نیست که فرآیند طولانی کاربرد این نماد را بررسی کنیم اما ناگزیر به ارائه تعاریفی کوتاه از مفاهیم مشابه در برخی فرهنگ‌ها هستیم. شواهد تاریخی و باستان‌شناسی نشان می‌دهد که از حوزه جنوب غربی ایران و تمدن عیلام باستان با مرکزیت شوش، نسخه‌های متداولی از اشکال و صور کهن نقش مذکور به‌عنوان نقش درخت زندگی به‌ویژه بر روی مهرها وجود داشته است؛ مهرهایی که احتمالاً با هدف بقای محتوا و مفاهیم عقاید مقدس یا مذهبی، از شکل‌های مانوس و آشنای موجود در طبیعت چون درختان و حیوانات الهام گرفته‌اند، البته واضح است که همه تجلیات، تمثیل‌های درخت ارتباط صرف به مفهوم درخت زندگی ندارد. در بازآفرینی نماد درخت زندگی در عیلام می‌توان دریافت که به چه میزان، بهره‌مندی از قوه تخیل مشترک در میان نقش‌آفرینان و البته دوری گزیدن از تنوع، در بسیاری از موارد موجب شده تا پدیدآورندگان سهم تاریخی این عنصر را به‌عنوان یک نماد، بر ضمیر تاریخ و فرهنگ عیلام نقش نمایند.

در این پژوهش نگارنده بر آن است تا پس از بررسی مختصر نقش و جایگاه درخت در فرهنگ‌ها، با مطالعه دیداری الگوی درخت زندگی بر مهرهای عیلام باستان، به تبیین و شناخت رمزارها و مفاهیم موجود در این نقش‌مایه و نمادهای مرتبط بپردازد. به نظر می‌رسد پژوهش حاضر می‌تواند شناخت بهتری از اعتقادات و سیمای تمدن عیلام را برای پژوهشگران در آینده روشن سازد؛ بنابراین پرسش این است که نقش درخت زندگی بر مهرهای عیلام بیانگر چه مفاهیمی است. فرض بر این است که شکل درخت زندگی در عیلام تحت تأثیر محتوای مشترک مذهبی، آیینی، اسطوره‌ای بوده و به‌طور مستقیم به مسئله زایش و باروری مرتبط بوده است.

## پیشینه پژوهش

در حوزه تمدن عیلام پژوهشگران برجسته‌ای به بررسی موارد مختلفی از جمله سیر تاریخی، خدایان، مذهب و ارتباط آن‌ها با محتوای اسطوره‌ای پرداخته‌اند؛ از جمله راجر کوک<sup>۱</sup> در کتاب "درخت زندگی" (۱۳۸۷) به شرح درخت زندگی در اساطیر، فرهنگ و ادیان مختلف پرداخته و آن را مرکز جهان یا پیوند میان آسمان و زمین و وسیله‌ای برای دستیابی به گنبد آسمان، دیدار با خدایان و گفتگو با آن‌ها ذکر نموده است.

جان ر. هینلز<sup>۲</sup> در "شناخت اساطیر ایران" (۱۳۸۶)، به بررسی اساطیر و خدایان ایرانی و عناصر مرتبط با آن‌ها مانند درخت زندگی پرداخته، در "فرهنگ نگاره‌ای نمادها" جیمز هال<sup>۳</sup> (۱۳۹۲)، به تفسیر نگاره درخت و برخی از نمادهای مرتبط در فرهنگ‌های مختلف از جمله

عیلام پرداخته است. مهر آفرین و قائم‌پناه در مقاله "دگردیسی خدایان در عیلام باستان" (۱۳۹۲) سیر تحول و تطور خدایان ایلام باستان را در پنج مرحله بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که عیلامیان با مشاهده و الگوبرداری از جانوران، پدیده‌های طبیعی و اشخاصی به‌منزله جادوگر یا دشمن، که به میزان فراوانی در زندگی آنان تأثیرگذار بوده‌اند به آفرینش مجموعه‌ای از اساطیر دست زده‌اند و به جهان ایزدان خویش شکل بخشیده‌اند. درخشی و بااحمدی در مقاله "بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی عیلام از آغاز تا فروپاشی" (۱۳۹۲)، با تقسیم‌بندی تمدن عیلام به سه دوره تاریخی به بررسی فراز و نشیب‌های تاریخ سیاسی، اجتماعی، هنر و معماری آن پرداخته و سرانجام به انقراض و ادغام این تمدن با حکومت هخامنشی اشاره شده است. در مقاله "نگاهی به محتوای اسطوره‌ای انگاره‌های درخت در تمدن جیرفت" بصیری و صرفی (۱۳۸۴)، کوشش شده اسطوره‌ها و باورهای موجود در انگاره‌ی درخت با بهره‌گیری از اساطیر شناخته‌شده‌ی تصویر درخت مقایسه شوند و این نتیجه حاصل شد. که انگاره درخت اساطیری در چهار مفهوم درخت کیهانی، درخت زندگی، درخت بازگونه و مرغزار یا باغ بهشت قابل شناسایی و بر اساس یافته‌های اسطوره‌شناسی قابل تحلیل است.

اما در پژوهش حاضر ضمن بیان ارزش‌های فرهنگی درخت زندگی کوشش شده با مطالعه دیداری الگوی درخت زندگی بر مهرهای عیلام، به تبیین و شناخت رموزها و مفاهیم موجود در این نقش‌مایه و نمادهای مرتبط پرداخته شود.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، بنیادی و از جهت روش، تاریخی، توصیفی و تحلیلی است؛ به‌عبارتی دیگر دو روش کلی در پژوهش حاضر به کار رفته است: ۱- روش تاریخی و توصیفی که به پیش‌زمینه‌های تاریخی نماد درخت زندگی و سپس توصیف آن در عیلام می‌پردازد. ۲- روش تحلیلی ابتدا بر مبنای مبانی هنرهای تجسمی به تجزیه و تحلیل دیداری نقوش درخت زندگی در عیلام و سپس به مفاهیم موجود در این نقش‌مایه و نمادهای مرتبط پرداخته می‌شود. در این راستا نویسنده با انتخاب و بررسی یک جامعه نمونه متشکل از ۲۰ مهر حاوی نقوش درخت زندگی، به بازیابی تجلیات و الگوی این نماد جنبه عملی داده است. ابزار پژوهش، فیش‌برداری از منابع موجود و اسکن تصاویر بوده و شیوه گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و استفاده از منابع دیجیتال بوده است.

### موقعیت جغرافیایی و تاریخی تمدن عیلام

عیلامیان مردمانی در شرق میان‌رودان<sup>۴</sup> بودند که حدود دو هزار سال و تا سال پانصد و پنجاه پیش از میلاد در منطقه‌ای نزدیک به شهر شوش در خوزستان جنوب استان چهارمحال و بختیاری و شمال استان خوزستان بخشی از تاریخ ایران را رقم زدند. ساکنان عیلام ابتدا در سرزمین کوهستانی ساکن بوده‌اند و دلیل این امر هم به خاطر این است که معنی سرزمین عیلام به زبان اکدی<sup>۵</sup>، سرزمین بلند است (Jacobsen: ۱۹۳۹, ۸۲). در واژه‌شناسی میان‌رودان، عیلام با کلمه NIM به معنای بالا و مرتفع خوانده می‌شود. بر اساس کتیبه‌های مکشوفه، آنان با خط میخی عیلامی، نام سرزمین خود را به‌صورت "هتامت" یا "هلتمتی" بر کتیبه‌ها می‌نوشتند. احتمالاً این کلمه به معنی سرزمین خدا بوده است (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۵).

دین عیلامی نیز به گونه‌ای پایدار، فردیت و خصوصیات خاص خود را دارا بود. شوش، دوراوتناش<sup>۸</sup> (چغازنبیل)<sup>۹</sup>، ملیان<sup>۱۰</sup>، سیماش<sup>۱۱</sup> و اوان<sup>۱۲</sup> از بااهمیت‌ترین شهرهای عیلام بوده‌اند. (نقشه ۱). شوش قدیمی‌ترین پایتخت اصلی، سیاسی و دینی جهان بوده و بسیاری از مهرهای عیلام متعلق به این مکان هستند. در برخی تقسیم‌بندی‌ها، عیلام شامل سه دوره تاریخی می‌شود: عیلام قدیم<sup>۱۳</sup> (عیلام باستان)، حدود ۲۷۰۰ تا ۱۶۰۰ ق.م - عیلام میانه<sup>۱۴</sup> (دوره طلایی)، حدود ۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰ ق.م - عیلام نو<sup>۱۵</sup>، حدود ۱۱۰۰ تا ۵۳۹ پ.م، اما اوج شکوفایی در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد بوده است. در دوران پادشاهی آشور بانسی پال<sup>۱۶</sup> این تمدن از بین رفت و با از میان رفتن ساختار سیاسی، سلطه بر مردم این سرزمین در دوران امپراتوری هخامنشی<sup>۱۷</sup> ادامه یافت.



نقشه ۱. ایالت‌های عیلام، طبق نظر آمیه، (والا، ۱۳۷۳)

## مهرهای عیلام

ابتدایی‌ترین مهرهای ساخته‌شده دست بشر بسیار ساده و شامل نقوشی از حیوانات و خطوط هندسی بودند. عیلامیان نخستین تمدنی بودند که حدود هزاره چهارم پیش از میلاد مهر را اختراع کرده و از مهرهای استوانه‌ای<sup>۱۸</sup> استفاده می‌کردند. در میان باستان‌شناسان این عقیده وجود دارد که آفرینندگان ابتدایی نقوش روی مهرها، جهت بیان آرزوها، خواسته‌های مادی و محسوسات از محیط و همچنین حفاظت خود از ارواح و ترس از طبیعت به خلق نقوش می‌پرداختند. مهرهای کشف‌شده از شوش، به‌عنوان مدارک معتبر از دوران حیات این تمدن، سهم عمده‌ای در بازنمایی تصویری اندیشه‌ها، اعتقادات و ارزش‌های حاکم داشته است. آثار مهرهای عیلامی هزاره سوم ق.م اطلاعات بارزتری از شیوه‌های گوناگون زندگی مردم در آن زمان در اختیار ما قرار می‌دهد (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۶۶). به نظر می‌رسد درخت زندگی جایگاه ویژه‌ای در میان مردم عیلام داشته و اهمیت این نقش مایه و به‌کارگیری فراوان آن در چارچوب کهن‌الگوی درخت زندگی بخش بر روی مهرهای عیلام، به‌خوبی مشهود است. همچنین علاوه بر مهرها چند دیوارنگاره آجری با نقش گیاه زندگی بین گوپت و یک خدای بانو از شوش میانه (سده ۱۳ ق.م) یافت شده است.

## درخت زندگی در باورها و اعتقادات اساطیری

درخت در بستر هنر، اساطیر و ادیان در ملل مختلف مورد تقدس قرار گرفته است. درخت به مثابه آئینه تمام‌نمای انسان و ژرف‌ترین خواست‌های اوست. این تصویر مثالی، زاینده انبوهی رمز است که در شاخه‌های بی‌شمار گسترش می‌یابند و خرمن در بستر اساطیر و دیانات و هنرها و ادبیات و تمدن‌های گوناگون می‌ریزند (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۸). پیوند ناگسستنی انسان با درخت از ابتدای حیات موجب شده تا او از طریق استحاله با طبیعت هم ذات‌پنداری کند. روزگاری تصور می‌رفت که زمین مسطح و گرد است و می‌گفتند به وسیله نوعی کاسه واژگون، یعنی فلک پوشیده شده است که برای برپا بودن، نیاز به پایه‌ای مرکزی مانند کوه و ستون و درخت دارد (هال، ۱۳۹۲: ۲۸۶). درخت نمادی از کمال و رشد است و قدمت حضور آن در زندگی بشر، افسانه‌ها و اسطوره‌ها به اندازه خود اوست. الیاده<sup>۱</sup> می‌نویسد: اگر درخت از نیروی مقدس سرشار است، بدین خاطر است که قائم است که رشد می‌کند که برگ‌هایش را از دست می‌دهد و دوباره آن‌ها را به دست می‌آورد. در نتیجه زنده می‌شود. بارها می‌میرد و باز زاده می‌شود (شوالیه، گبران، ۱۹۱: ۱۳۷۹). مزداپور درباره ارتباط آفرینش نخستین انسان‌های ایرانی با گیاه می‌نویسد: مَشی و مَشیانه<sup>۲</sup> مانند ریواسی از نطفه کیومرث<sup>۳</sup> از زمین رویداده‌اند (مزداپور، ۱۳۸۲: ۴۴). درخت زندگی به اسامی دیگر نیز نامیده می‌شد. انواع درخت زندگی در فرهنگ‌های مختلف با نام درختانی چون خرما (نخل)، چنار، انگور، زیتون، جمبو، انجیر (تین)، زبان‌گنجشک، گز (شاهنامه)، درخت زندگی یا بی‌مرگی (تورات)، هوم، هومه، سپید یا درخت زندگی و بی‌مرگی (ایران باستان)، گوکرن (هوم سفید)، تاقوک، توت، سنجد، درخت بید، همه تخمه و ... شناخته شده است (Rezghirad, ۲۰۱۷: ۵۸۸). از مهم‌ترین مفاهیم مربوط به درخت زندگی مسئله زایش و جاودانگی در طول تاریخ بوده است. درخت را بسیاری از اقوام باستانی به عنوان جایگاه خدا یا در واقع، خود خدا می‌پرستیدند. همچنین نماد کیهان و منبع باروری و نماد دانش و حیات جاودانی بود (هال، ۱۳۹۲: ۲۸۵). (تصویر ۱).

همچنین گرین در این زمینه عقیده دارد که درخت در معنای کهن‌الگویی خود دلالت دارد بر زندگی کیهان، تداوم آن و رشد و تکثیر فرایندهای زایشی و باززایی. درخت نشانه حیات تمام‌نشده است و بنابراین معادل است با فناپذیری (گرین، ۱۳۷۶: ۱۶۵).



تصویر ۱. نقش درخت زندگی، نخل، ۸۶۰ تا ۸۶۵ ق.م. (Wilson, ۱۹۹۴)

با توجه به موارد ذکر شده می‌توان برخی معانی نمادین و باورهای قومی را درباره درخت زندگی دسته‌بندی نمود که در نمودار شماره ۱ درج شده است.

### نمادهای هم پیوند با درخت زندگی در عیلام

از بااهمیت‌ترین نمادهای مرتبط با درخت زندگی و مفهوم زایش بر مهرهای عیلام نماد بز است. همچنین دیگر نمادهای مرتبط، ماه، گاو، نر، گوزن، مار، خدایان، ایزدان خورشید، آتش و آب هستند. عقرب و گاوسانان نیز به‌عنوان نمادی از ماه شناخته شده‌اند. در تمدن‌های نخستین ایران و عیلام ماه اولین خدایی بوده که ستایش می‌شد اگرچه اعتقادات مذهبی و ارزش‌های دیگر را سوای این منکر نمی‌شود ولی با قاطعیت ماه را عمده‌ترین و اساسی‌ترین مقوله در آئین دینی این دوران می‌توان به حساب آورد (صمدی، ۱۳۸۳: ۲۰). در طول قرن‌های متمادی، بز و بز کوهی نمادی از نیروی زندگی، مظهر فراوانی، نشانه روییدنی‌ها، قدرت باروری و نگهبان درخت زندگی به‌شمار می‌آمدند. از نظر هال بز نیروی زاد و ولد و باروری است (هال، ۱۳۹۲: ۲۱۸). بی‌تردید صورت مثالی درخت مرتبط با مفاهیم زایش و باروری در تمدنی چون عیلام شمرده می‌شد که ما نیز با بررسی تصویری مهرهای شوش به تحلیل آن‌ها خواهیم پرداخت.

### شرح نماد درخت زندگی بر مهرهای عیلام



تصویر ۲. نقش و طرح مهر استوانه‌ای با نقش بز کوهی و درخت (ماه درخت)، عیلام آغازین، شوش، ۲۹۰۰-۳۱۰۰ ق.م، قطر ۲/۴- بلندی ۳/۴ سانتیمتر، موزه لوور پاریس (پوپ، ۱۳۸۷: ۳۶۷)

در تصویر ۲ بر مهر استوانه‌ای، نقوش بزهایی با شاخ‌های فراخ مشابه هلال ماه و درختانی بر تپه‌ها یا کوه‌های انباشته مشاهده می‌شود. در اعتقادات ایرانیان باستان کوه جایگاه ویژه‌ای داشته‌است و در بندهشن بخش دوازدهم ذکر شده که نخستین کوهی که فراز رست البرز ایزدی بود. بزهای ری‌شدار در دو سوی درختان دو پای جلویی را بر روی کوه یا تپه قرار داده و به نظر می‌رسد در مقام نگهبانان، وظیفه حفاظت و حراست از درخت مقدس را بر عهده دارند. بز کوهی با شاخ‌های بزرگ‌تر از حد معمول و درست شبیه به هلال ماه بر سفالینه‌ها ترسیم شده است گاه فقط شاخ او نماد ماده است (صمدی، ۱۳۸۳: ۲۱). نقوش دیگری از دو بز کوچک



نمودار ۱. معانی نمادین و باورهای قومی درباره درخت زندگی (نگارنده)

بر فراز درخت کاج در حال یورش به سمت یکدیگر وجود دارند که یکی از بزها به طور کامل حکاکی نشده است. نقش دو درخت بر مهرهای شوش به روشنی قابل تشخیص است. یکی از آن‌ها درختی در قله کوه است که جانوران شاخ‌دار و بزهای وحشی را روی دو پا در دو طرف به شکل قرینه و در رویارویی نبرد باهم نشان می‌دهد. درخت کاملاً به شکل مخروطیان است و به نظر می‌رسد یا سروی خمره‌ای باشد یا کاج... دیگر نقش گیاهی شامل ردیف درختان کاج است که در طی تاریخ طولانی و جالب خود به صورت یکی از شکل‌های آفتاب درخت تثبیت شده است. گروهی از طرح‌ها و از جمله طرح‌هایی از شوش که در آن‌ها درخت با نمادهای اختری ظاهر می‌شود، مؤید این تعبیر است؛ بنابراین درخت در یک مهر استوانه‌ای ترکیبی است از خراش عمیق خطوطی مستقیم که نشان‌دهنده شاخه‌هاست و ستاره و هلال ماه که به بالای آن متصل است (پوپ، ۱۳۸۷: ۳۶۶). اشکال مشابه صلیب چهارپر احتمالاً به عنوان نمادی از ستارگان به صورت منظم در دو سوی درختان قرار دارند؛ صمدی عقیده دارد که صلیب از قدیمی‌ترین نمادهای ماه محسوب می‌شود (صمدی، ۱۳۸۳: ۲۱). عموماً پس از فرمانروایی خورشید بز کوهی حیوان خورشید نام گرفت و علامتی شبیه به ستاره چند پر که اصطلاحاً "لوتوس" گویند در بین شاخ‌های این حیوان بر سفالینه‌ها رسم شده است (کرتیس، ۱۳۸۷: ۴۵). پیشینه تاریخی و بررسی‌های ژرف در آیین‌های کهن نشان می‌دهد که ستاره‌ی زهره (ناهید) نزد تیره‌های گوناگون مردم جهان مقدس و ستایش می‌شده است. این ستاره در بین‌النهرین زهره و ایشتار... در ایران آن‌هایتا (ناهید) خوانده می‌شد و خداوندگار بود. در ایران هنوز آن‌هایتا نامیده می‌شود و مقدس به شمار می‌آید (بختورتاش، ۱۳۷۱: ۳۲).



تصویر ۳. مهر استوانه‌ای، ایلام قدیم، ۲۰۰۰ ق.م، ۳×۲ سانتیمتر، موزه متروپولیتن (iranatlas.info)

در تصویر ۳ خدا یا پادشاه با لباس فاخری شاهانه بر تخت خود نشسته و یکی از دستانش را بالا آورده، فردی مقابل او به حالت احترام ایستاده است. دو درخت انگور یا تاک یکی در پشت سر شاه و دیگری در پشت مرد ایستاده، قرار دارد. زنی در زیر درخت پشت سر شاه نشسته و دامنی بافت‌دار بر تن دارد. به نظر می‌رسد قرارگیری دو درخت انگور با وجود عناصر فرعی کم و همچنین نشستن در زیر درخت یا نگه‌داشتن شاخه‌ای در دست که بر مهرها تکرار شده،

همگی می‌تواند نشانه اهمیت این درختان به‌عنوان درخت زندگی و شرکت در مراسمی خاص باشند. درخت انگور از درختان مقدس در بین‌النهرین است. در داستان گیلگمش، شمش خدای خورشید او را به‌سوی سی دوری سابی تو الهه کوهساران و نگهبان درخت زندگی راهنمایی می‌کند. او از الهه‌ای که در دستانش انگور دارد، طلب جاودانگی و بی‌مرگی می‌کند. در قسمت مرکزی فضا نقشی مشابه ماه تقریباً وارونه قرار دارد. همان‌طور که ذکر شد در تمدن‌های ابتدایی ماه از خدایان مورد پرستش بود و در دورانی که تداوم زندگی به کشاورزی مرتبط بود، تصور می‌شد ماه دلیل ریزش باران است.



تصویر ۴. طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت زندگی و حیوانات شاخ‌دار، شوش، ۳۰۰۰-۲۶۰۰ ق.م، موزه لوور پاریس، (صمدی، ۱۳۸۳: ۱۷۳)

در تصویر ۴ بر مهر استوانه‌ای نقوش درخت زندگی و حیوانات شاخ‌دار حک شده‌است. نماد درخت زندگی یا درخت ماه مشابه کاج یا سرو، بر روی کوه‌پشته‌ای تصویر شده که می‌تواند به مفهوم صعود به آسمان نزدیک باشد، زیرا در بسیاری از تمدن‌ها کوه به دلیل نزدیکی به آسمان، مکانی برای عروج معنوی و پشت سر گذاشتن جهان زمینی است. به‌نظر می‌رسد در دو سوی درخت دو گاو زده در حال ستایش، نگهبانی و حفاظت از درخت زندگی هستند. گاو در ایران باستان شکلی از ایزد طوفان دارد که مولد باران است. شاخ گاو ماده، علامت رسالت عقل و علامت خورشید یا ماه است (جایز، ۱۳۸۰: ۱۰۹). همچنین گاو نر از اصلی‌ترین نمادهای باروری در طبیعت و قدرت تولید مثل است. پرستش این حیوان در بسیاری از فرهنگ‌ها مربوط به مادر-الهه و نماد ماه بود. شاخ‌های ورزه گاو را از آغاز با هلال ماه برابر دانسته و همانند ساخته‌اند (الیاده، ۱۳۸۹: ۹۷). بز نری با ریش انبوه در مقابل گاو ریش‌دار نیمه‌نشسته، قرار دارد. در قسمت فوقانی شیری با یال‌های انبوه به بز نشسته حمله نموده است. نماد شیر مربوط به پرستش خورشید-خدا بوده و به‌صورت نمادین نگهبان معابد و آرامگاه‌ها بود. بر روی مهرهای به‌دست‌آمده از شوش اهمیت پیوند گاو با ماه افزون می‌شود، گردونه‌ی خدای ماه را گاو می‌کشد و صفت باروری هم که به ماه نسبت داده می‌شود از خصوصیات گاو نیز می‌گردد (صمدی، ۱۳۸۳: ۲۴). درخت بر این مهر جداکننده حیوانات ناآرام سمت راست از بز شاخ‌دار سمت چپ است.





تصویر ۵. طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و بزهای کوهی، شوش، ۲۹۵۰ ق.م، موزه لوور- پاریس،  
(Amiet, ۱۹۷۲: ۱۳۸)

بر مهر استوانه‌ای دیگری از شوش که حاوی نقوش ساده‌تری از درخت و بزهای کوهی است، بزهایی ریش‌دار به صورت نمادین و صورت نیم‌رخ در دو سوی درختی مشابه سرو قرار دارند و دو درخت کوچک و کوتاه به صورت قرینه در دو سوی آن قرار دارند. برخلاف نقوش دیگر سر بزها به جهت مخالف درخت برگشته و پاهای جلو، بالا آورده شده‌اند. میان دو بز که تقریباً در مرکز تصویر قرار دارند، خطی مشابه دم بلند یا جزئیاتی احتمالی از درخت ترسیم شده که به دلیل کیفیت پایین به راحتی قابل تشخیص نیست. (تصویر ۵)



تصویر ۶. طرح مهر استوانه‌ای با نقش درخت و بزهای کوهی، قیر طبیعی، شوش، هزاره سوم ق.م،  
(Pezard, ۱۹۱۱: ۱۰۰)

بر مهر تصویر ۶ که با قیر طبیعی ساخته شده، درخت زندگی در مرکز فضا قرار گرفته و دو حیوان مشابه بز کوهی در دو سوی آن قرار دارند. بز کوهی از معمول‌ترین نمادهایی است که در

دو سوی درخت زندگی در بسیاری از تمدن‌ها، همچون تمدن جیرفت، به‌عنوان نگهبان و محافظ نقش شده است. بز سمت راست، دو پای جلویی خود را بر روی درخت قرار داده و به‌صورت نمادین در حال تغذیه از درخت و بز دیگر با جثه‌ای بزرگ‌تر به حالت معمولی ایستاده‌است. البته پزارد عقیده دارد در این صحنه درخت زندگی در میان دو گوزن نمایش داده شده که مشغول خوردن جوانه‌های تازه و پامیوه‌های درخت هستند (Pezard، ۱۹۱۱: ۱۰۰). دلیل احتمالی تصور نقش گوزن شاید حالت و فرم درشت بدن حیوان سمت چپ و فرم شاخ‌ها باشد. توسکان این دو حیوان را بز کوهی قلمداد کرده‌است (Toscane، ۱۹۱۱: ۱۷۱). در سمت راست حیوانی به‌صورت عمودی حک شده که توسکان آن را هزارپا (همان: ۱۷۱) و پزارد مار معرفی می‌نماید (Pezard، ۱۹۱۱: ۱۰۰). ارتفاع درخت زندگی تقریباً برابر با بزهاست و نقشی مشابه با درخت مقدس در دیگر آثار دارد. بر فراز سر بز یا گوزن بزرگ‌تر نقش عقاب یا شاهینی با بال‌های گشوده قرار دارد، عقاب نیز مانند بز از نگهبانان درخت زندگی به‌شمار می‌رود. بیانی درباره نماد شاهین در عیلام می‌نویسد: شاهین پرنده‌ای قوی و بلندپرواز است و به اعتقاد انسان‌های اولیه پرنده آسمانی است که زمین و موجودات را حمایت می‌کند، این پرنده در عیلام جزو مظاهر این شوشیناک خدای حامی شوش درآمد و خدای حامی نه‌تنها انسان‌ها را موردنظر داشت، بلکه حیوانات وحشی و اهلی را در پناه قدرت خویش نگهبانی می‌کرد (بیانی، ۱۳۷۵: ۱۹).



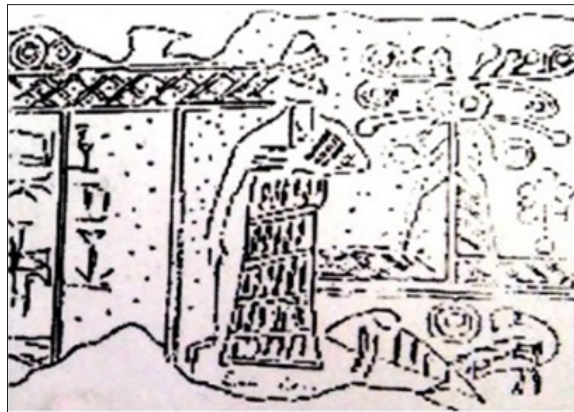
تصویر ۸. طرح آدم و حوا در میان درخت خرما (fao.org/docrep)



تصویر ۷. طرح مهر استوانه‌ای با نقش درخت، وسوسه، شوش، هزاره سوم ق.م. (Toscane، ۱۹۱۱: ۱۷۹)

بر مهر استوانه‌ای تصویر ۷ که توسکان عقیده دارد که این مهر استوانه اسمیت، از شوش به‌دست آمده (Toscane، ۱۹۱۱: ۱۷۹) خدای شخصیت‌یافته در قالب انسانی و پادشاهی با تاج شاخ‌دار و لباسی بلند در سمت راست نشسته است و در سمت چپ انسانی دیگر دیده می‌شود که لباس دامن‌داری پوشیده است و بر روی تختی مکعب شکل نشسته است. درختی مشابه درخت نخل یا خرما با شاخه‌های دندان‌های شکل تقریباً قرینه در مرکز قرار دارد. در بین‌النهرین درخت نخل گیاهی بود که در مراسم باروری استفاده می‌شد. بر فراز درخت مقدس، به‌عنوان نماد باروری، تاجی از نقش مایه نخل [نواشوری، سده هفتم پیش از میلاد]، به‌ویژه بر روی یادمان‌هایی از سده دهم پیش از میلاد قرار دارد (هال، ۳۰۶۱۳۹۲). هر دو شخصیت یکی از دستان را به‌سوی درخت دراز کرده‌اند که ممکن است نمادی از انجام عملی مذهبی باشد. وجود ماری در پشت زن، داستان وسوسه آدم و حوا توسط مار و چیدن میوه الهی را به یاد می‌آورد؛ البته مهر وسوسه نامی است که برخی بر این مهر نهاده‌اند. بر اساس قرائن موجود نقش مار به‌هیچ‌عنوان

نمی‌تواند جنبه صرفاً تزئینی داشته باشد. از مهم‌ترین مفاهیم مار تجدید حیات بوده و در کتاب مقدس آمده که ارتباط میان زن، مار و درخت وجود دارد. در محافل ربن‌های یهود مشهور است که بی‌نمازی زنان حاصل مناسبات جنسی میان حوّا با مار در بهشت است (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۷۰). بهشت سومری دیلمون<sup>۳۳</sup> نام داشت و بر اساس داستان مشابه دیگر. (تصویر ۸)



تصویر ۹. مهر استوانه‌ای، با نقش درخت، چغازنبیل (پرادا، ۱۳۷۵: ۳۸)

در اسطوره‌های سومری، تصویر "مهر و سوسه" که نماد ایزدبانوی سومری‌ها به نام گالابانو (مظهر بزرگ مادر زمین) است، در سمت چپ درخت دیده می‌شود. در پشت او، مار قرار گرفته که نماد نیروهای وجود است. در سمت دیگر، پسر معشوق این ایزد بانو، دوموزی، خدای همیشه میرا و همیشه زنده شده نباتات، دیده می‌شود. او پسر ایزد، خدای درخت زندگی است (کوک، ۱۳۸۷: ۱۵۹). مار از رایج‌ترین تصاویر مثالی، سرچشمه حیات و تخیل است و غالباً پیچیده به دور درخت تصویر می‌شود و همانند درخت تقریباً در همه تمدن‌ها، موجب پیدایش انبوهی از اسطوره‌های تلفیقی شده است (دوبوکور، ۱۳۸۷: ۴۱). در تصویر مشابه دیگر، تصویر ۹ مکشوفه از چغازنبیل شخصیتی بااهمیت روبه‌روی درخت زندگی ایستاده و بازنمایی فضای معماری گونه اطراف او جالب توجه است.



تصویر ۱۰. نقش و طرح مهر استوانه‌ای با نقش درخت، گچ، شوش، هزاره سوم ق.م، ۲۷×۴۳ سانتیمتر، موزه لوور پاریس (Delaport، ۱۹۲۰: ۲۹)

بر مهر تصویر ۱۰ با تصاویر بسیار ساده و استیلیزه، درختی با برگ‌هایی سوزنی میان دو موجود زنده و حیوانی مشابه عقرب با بدنی سوزنی شکل حک شده است. به عقیده بیانی عقرب نشان پیوند زناشویی مقدس است (بیانی، ۱۳۷۵:۳۵)، همچنین دلاپورت کژدم یا عقرب را نشانه‌ای از کام‌جویی می‌داند (۶۴: ۱۹۲۰، Delaport). موجود دیگری در سمت چپ درخت مشابه انسان یا میمون قرار دارد که به نظر دلاپورتیک میمون است (۲۹: ۱۹۲۰، Delaport). در دست او شاخه‌ای از درخت مقدس قرار دارد. شخص دیگری به نظر می‌رسد او زنی است که بر روی شیء نامعلومی نشسته و چیزی شبیه یک نیزه برافراشته را در مقابل درخت نمایش داده در سمت چپ صحنه نگه داشته است (۱۷۹: ۱۹۱۱، Toscanne). این نقش نیز می‌تواند گیاه زندگی باشد، با ساقه‌ای مرکزی و ظاهری کاملاً تجربیدی که در اطرافش پانزده دایره که احتمالاً نمادی از میوه زندگی یا حیات ابدی باشند. گویی در مرکز تصویر حیوانی مشابه بز در حال جدال با ماری به حالت ایستاده قرار دارد.

بر مهر منحصر به فرد تصویر ۱۱ مدور از شوش و در صحنه‌ای متراکم شاهد جدال گوزن‌هایی با شاخ‌های فراخ و مار هستیم. بیانی این اثر را کلوخه مدوری متعلق به هزاره چهارم ق.م معرفی کرده است (بیانی، ۱۳۷۵:۳۱)، اما آمیه آن را متعلق به اوایل هزاره سوم ق. م می‌خواند. ماری نزدیک به گوزن سمت راست قرار دارد. تصاویری از درختانی با ساقه‌های کوتاه نقش شده که به نظر می‌رسد ارتباطی با نماد درخت زندگی نداشته باشند.



تصویر ۱۲. طرح مهر استوانه‌ای با نقش صحنه پرستش، قیر طبیعی، شوش، ۲۰۰۰-۱۷۰۰ ق.م، ۱۹×۲۹ میلی‌متر، موزه لوور پاریس (پرادا، ۱۳۸۶:۵۰)



تصویر ۱۱. طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت زندگی و گوزن‌ها، گل خام، شوش، هزاره سوم ق.م، موزه لوور، پاریس (بیانی، ۱۳۷۵:۳۱)

در تصویر ۱۲، پادشاه یا خدای عیلامی تقریباً در فضای مرکز تصویر بر روی چهارپایه‌ای نشسته و روبه‌روی او شخصیتی مانند ملازم به حالت احترام ایستاده که دست‌های خود را بر روی سینه قرار داده است. در پشت سر ملازم و پادشاه یا خدا، درختانی تزئینی با فرم‌های جالب توجه و ریشه‌های بیرون آمده با حالتی مشابه نگهبانان ایستاده قرار دارند. به نظر می‌رسد درختان با پرداختی از این نوع، درختان مقدس زندگی و دارای ارزش‌های آئینی باشند. این درخت، درخت عجیبی است که روی پشته‌ای می‌روید، اما نباید نمایش ساختمان شیئی چلچراغ مانند را نادیده گرفت (پرادا، ۱۳۸۶:۵۰). با توجه به وضعیت پادشاه یا خدا با جامی در دست راست، نماد ماه در بالا، درختان و نیز پرنده‌ای در روبه‌رو به نظر می‌رسد مراسم آئینی در شرف انجام است. در این صحنه جام آب و درخت مشابه زندگی و حاصلخیزی است (بیانی، ۱۳۷۵:۸۱).



تصویر ۱۳. طرح مهر استوانه‌ای با نقش صحنه پرستش، قیر طبیعی سیاه، شوش (عیلام قدیم)،  
۲۰۰۰-۱۷۰۰ ق.م، ۲/۴ × ۱/۳۵ میلی‌متر، موزه لوور - پاریس (پرادا، ۱۳۸۶: ۴۹)

تصویر ۱۳ کاملاً مشابه تصویر ۱۲ است، پادشاه یا خدا بر تختی نشسته و با دست چپ خود احتمالاً شاخه‌ای از درخت مقدس و در دست راست شیئی نعلی شکل به طرف جلو دراز کرده و در مقابل وی ملازمی به حالت احترام ایستاده است. درختان نخل با تنه‌های قطور سوزنی در دو سوی تصویر به چشم می‌آیند. پرنده‌ای روبه‌روی پادشاه و ملازم قرار دارد. پرادا می‌نویسد از ویژگی‌های خاص مهرهای شوش یک درخت در انتهای یک صحنه یا نهادن یک میز حامل پرنده است (پرادا، ۱۳۸۶: ۴۹). نقوش هلال ماه و ستاره در بالای تصویر میان خدا و ملازم قرار دارد که وجود اجرام سماوی و نمادهای باروری، یقیناً نمایشی از مراسمی آیینی باروری در نزد عیلامیان باشد. به نظر بیانی عیلامی‌ها خدای ماه را "سین" می‌نامیدند... مظهر سین هلال ماه بود و تعداد زیادی مهرهای استوانه‌ای شکل مکشوفه از شوش (اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم ق.م)، نقش خدای سین که مورد احترام و پرستش اهالی آن سامان بوده است، به صورت هلال ماه، درزمینه مهرها یا در بالای سر خدایان ایستاده یا نشسته بر تخت نشان می‌دهد (بیانی، ۱۳۷۵: ۸۲).



تصویر ۱۴. مهر استوانه‌ای با نقش مار - خدا و درخت سرو، گل، شوش، ۲۳۰۰ ق.م، ۱۷/۰ × ۳۰/۰ میلی‌متر،  
موزه لوور پاریس (بیانی، ۱۳۷۵: ۶)

بزرگ‌ترین خدای ایلام هوبان<sup>۲۴</sup> یا گل و پس از آن الهه اینشوشیناک<sup>۲۵</sup> بود. بر اساس شواهد باستان‌شناسی در منطقه بین‌النهرین مدارکی دال بر پرستش مار یا مارخدا به دست آمده است. در دین عیلامی بخشی از این فردیت (فردیت و خصوصیات دین عیلامی) دربرگیرنده نوعی عبودیت و احترام غیرمتمعارف به زنانگی ابدی و پرستش مار است که ریشه در جادو دارد؛ مار یک نقش‌مایه راستین تمدن عیلام است (mimplus.ir). نمونه‌هایی از حضور مار خدا و سمبل‌های وابسته به آن بر مهرهای عیلام وجود دارد. هنرمندان عیلامی نیز نوعی مار را با سر انسان خلق کرده بودند که به خود آن‌ها اختصاص داشت. این موضوع نشان می‌دهد که هنرمند عیلامی در نشان دادن این خدا بیشتر تمایل به ارائه آن به صورت انسان داشته تا حیوان. در نقوش آنان گاهی سر و شانه‌های خدای مذکور به شکل انسان است و پایین‌تنه نیز به شکل چنبره مار در می‌آید (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۶۲). بی‌گمان افسانه‌سرایایی اساطیری بی‌شماری درباره مار و مارخدا وجود دارد. از مهم‌ترین (شکل مار) "تجدید حیات" است. مار جانوری است که "تغییر شکل" می‌دهد. همان رمزپردازی اصل باروری و تجدید حیات که تابع ماه‌اند و خود اختر شب یا موجودات هم ذات و هم‌گوهر<sup>۲۶</sup> او، بخشنده آن مواهب، مبین حضور مار در شمایل‌نگاری و آیین‌های الهه‌گان باروری در سراسر جهان است (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۷۲). در تصویر ۱۴، بر مهری از شوش تصویر مارخدایی نشسته با صورتی نیم‌رخ، ریشی بلند و بینی کشیده حک شده که تاجی شاخ‌دار احتمالاً به نشانه برتری و قدرت بر سر دارد. پیچ‌وتاب نیم‌تنه این موجود، ترکیبی از تخت را مجسم نموده است. مارخدا شاخه‌ای در دست راست خود دارد که آن را نزدیک به آتشی که بر ظرف پایه قرار دارد، نگه داشته است. به نظر می‌رسد به کارگیری نقش گویای شاخه در قالب فرم ساده، جهت تداعی مفهوم درخت مقدس و سمبل مذهبی مارخدا، مشابه تصاویر قبل صورت گرفته است. دو شخصیت دیگر که به نظر ملازم می‌رسند یکی در آن سوی شعله و روبروی مارخدای و دیگری در پشت سر پادشاه قرار دارد، درحالی که درخت سروی میان آن دو به چشم می‌آید، هر دو احتمالاً جهت ادای احترام دست خود را روبروی دهان خود نگه داشته‌اند.



تصویر ۱۵. طرح معرفی گودئا شاهزاده لاگاش در سومر، به وسیله خدای نگهبان، نین‌گیش‌زیدا به انکی،  
۲۵۰۰ ق.م (به لک، ۱۳۸۴: ۲۳)

برخی از خدایانی چون مارخدا در نقش نگهبانان نیز ظاهر می شدند. به عنوان نمونه در تصویر ۱۵ خدای "انکی"<sup>۲۷</sup> در نقش خدای والاتر، در وسط "نین گیش زیدا"<sup>۲۸</sup> در نقش خدای نگهبان با مارهای شاخ دار بر شانه و "گودئا"<sup>۲۹</sup>، شاهزاده سومری لاگاش دیده می شوند. در اساطیر سومری نین گیش زیدا<sup>۳۰</sup> ایزد مارگون دنیای زیرزمین است. معنای نام او دارنده درخت زندگی است (Price، ۱۹۰۰: ۴۸).



تصویر ۱۶. طرح مهر استوانه‌ای با نقش مارخدا با شاخ تاج دار در مقابل آتش، گل، شوش، ۱۵۰۰-۱۸۵۰ ق.م، موزه لوور پاریس (Toscanne، ۱۹۱۱: ۲۰۲).

بر مهر گلی از شوش در تصویر ۱۶، مشابه نمونه تصویری ۱۴ نقش مار خدایی نیم رخ با سر و نیم تنه انسان و شاخ تاج دار مشاهده می شود. او نیز شاخه‌ای مقدس در دست چپ و بر روی جام آتشین پایه دار نگه داشته است. بیانی عقیده دارد شاخه درخت مظهر رویدنی‌ها و نمونه‌ای دیگر از تجلی درخت مظهر زندگی است (بیانی، ۱۳۷۵: ۲۲). به نظر می رسد دست راست مارخدا زیر لباس نیم تنه‌ای که پوشیده پنهان شده است. در بالای آتشدان و شاخه درخت، هلال ماه، سمبل الهه ناپیر<sup>۳۱</sup> نقش شده است. شاخه گیاه به عنوان نمادی از درخت زندگی یا متعلق به آن، احتمالاً به عنوان پیشکش به آتش مقدس در مراسمی آئینی، مذهبی یا گیاهی خوشبو جهت معطر کردن عبادتگاه به کار می رفته است. الیاده معتقد است: در این زمان چیزهایی که به آتش اهدا می شد مخلوطی از سه چیز بوده است: چوب خشک، گیاه خوشبو، حیوان فربه (Eliade، ۱۹۸۷: ۲۷۷).



تصویر ۱۷. طرح مهر استوانه‌ای با نقش انسان قهرمان، سنگ آهک، شوش، اوایل هزاره دوم ق.م، ۰/۰۴۱×۰/۰۲۲ سانتیمتر، موزه ایران باستان تهران، (بیانی، ۱۳۷۵: ۷۶)

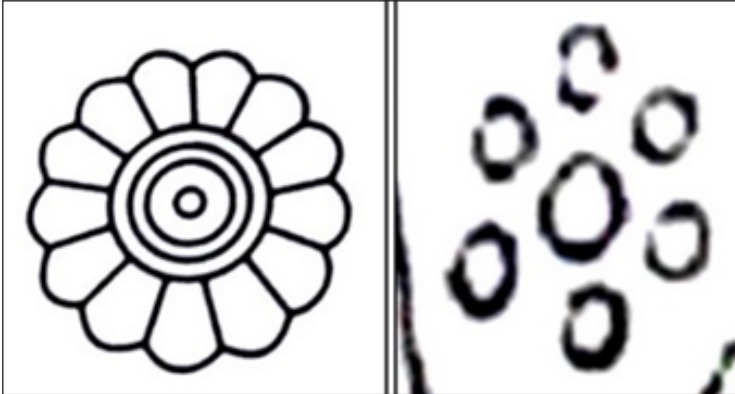
مهر دیگری با فضای دیداری متفاوت و عناصر زیاد به دست آمده که دربردارنده تصاویری از درخت مقدس زندگی، ماه، انسان، حیواناتی چون مار، ببر، شیر، اسب و یک انسان- حیوان با جثه‌ای چندین برابر انسان معمولی است. آمیحه از این قهرمان اساطیری به عنوان "خدای حیوانات" یاد می‌کند، درحالی‌که بیانی معتقد است او گیلگمش است (بیانی، ۱۳۷۵: ۷۵). موجود ترکیبی دیونما با صورت نامشخص ریش‌دار، تن و دست و پای انسانی با جثه‌ای بزرگ در مرکز تصویر به حالت افقی قرار دارد. مار و ببری را در دو دست خود گرفته و به نظر می‌رسد در حال مهار آنان یا زورآزمایی است. در نمادشناسی ایرانی، مار نشانه‌ی رازآلود اهریمن است و اهریمن هرگاه بخواهد به قصد تباهی و زیان‌کاری ظاهر وارد شود، در صورت ماری ظاهر می‌شود (کزازی، ۱۳۷۲: ۲۸۳). حالت رویارویی و تقابلی موجود ترکیبی یا انسان قهرمان با مارهای دهان‌گشوده در برابر هم، در بسیاری از تمدن‌ها از جمله تمدن جیرفت وجود دارد. در سمت راست دو شیر به دو بز حمله‌ور شده‌اند. موجودی شبیه به الهه با تاجی شاخ‌دار با دسته‌ای رو به بالا در سمت چپ نشسته و در مقابل او یک نقش انسانی نیز با دست‌های رو به بالا در مقابل درختی مشابه سرو قرار دارند (تصویر ۱۷). بیانی درباره موجود الهه‌نما عقیده دارد که او خدای رستنی‌هاست که بر تخت نشسته و خادم به او شاخه‌ای می‌دهد. در پشت خادم درخت مقدس و بز کوهی مظهر روئیدنی‌ها قرار دارند (بیانی، ۱۳۷۵: ۷۵).



تصویر ۱۸. مهر استوانه‌ای با نقوش موجودات ترکیبی، حیوانات و درخت، بدل چینی، چغازنبیل، ۱۳۰۰ ق.م (عیلام میانی)، ۱۳/۸ × ۴۵/۹ میلی‌متر، موزه لوور پاریس (پرادا، ۱۳۷۵: لوح ۵)

بر مهر منحصر به فرد تصویر ۱۸ از دوره عیلام میانی پرنده عظیم‌الجثه ترکیبی نقش شده که پرادا آن را اهریمن بالدار شیرسر معرفی می‌کند (پرادا، ۱۳۷۵: ۹۷). او به حالت خشمگین بر کفل دو بز کوهی چمباتمه‌زده ایستاده و در حال بلند کردن دو آهو است. دو درخت نخل که به نظر درخت مقدس هستند، به صورت قرینه در دو سوی مهر حک شده‌اند. در بالای درختان طرح یک لوزی وجود دارد که به عقیده کوپر نماد زندگی، ایزد بانوی باروری می‌باشد (کوپر، ۱۳۸۹: ۳۲۵). در سمت راست پرنده نقش یک ماهی دیده می‌شود که بنا بر نظر کوپر ماهی نماد تکوین، تجدید و حفظ حیات است (کوپر، ۱۳۸۹: ۳۲۵). به کارگیری عناصری چون پرنده ترکیبی و درخت مقدس زندگی می‌تواند تضاد میان تهدیدی برای نابودی زندگی در برابر حیات، باروری و زایش باشند. دایره که احتمالاً اجرام سماوی باشند، در بالای صحنه و دو طرف سر پرنده وجود دارد. هنرمندان باستان جانورانی را بر مبنای تصورات خود از گل و سنگ و فلز خلق کردند که از دیدگاهشان دارای نیروی مانایی بوده و در حوادث و طبیعت نفوذ داشتند (افضل طوسی، ۱۳۹۳: ۴۲).





تصویر ۲۰. جزئیات نقش گل سرخ (آذین گل سرخی)، روزت (هال، ۱۳۹۲: ۳۰۱)



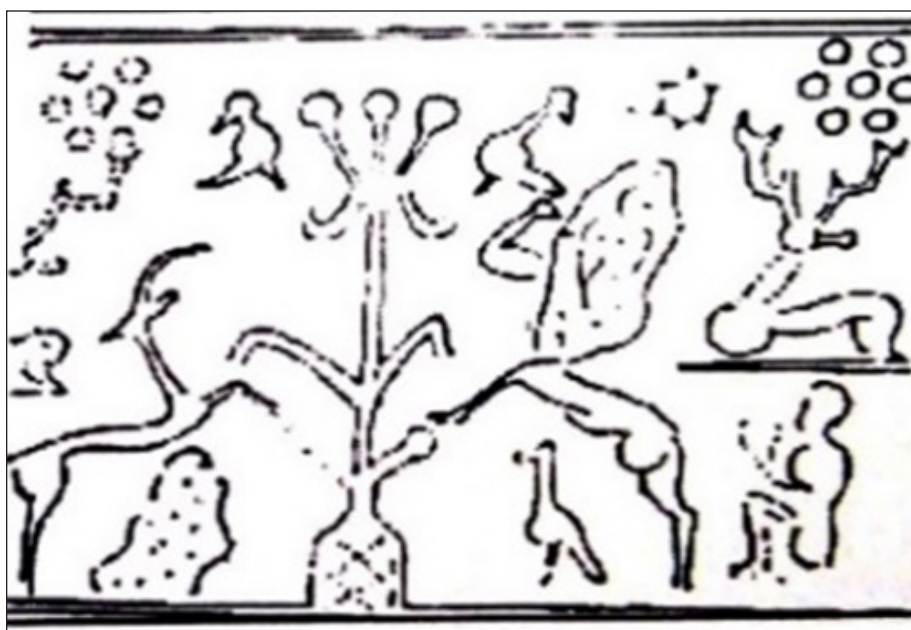
تصویر ۱۹. طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درختان و بز، بدل چینی، چغازنبیل، قرن ۱۳ ق.م، ۳۲/۴×۳۲ میلی‌متر، موزه لورر پاریس (پرادا، ۱۳۷۵: ۷۴)

در تصویر ۱۹ نقش هلال ماه در قسمت فوقانی میان دو درخت و نزدیک به شاخ بز دیده می‌شود. بز کوهی با سری نسبتاً بزرگ و شاخ‌های بلند در حالت حرکت مشاهده می‌شود. دو درخت کاملاً قرینه با برگ‌های بزرگ و مشابه که به نظر درخت مقدس یا زندگی هستند، با دو سرو، احتمالاً در نقش نگهبان احاطه شده‌اند. در پای درختان زندگی نقوشی مشابه گل سرخ، آذین گل سرخی یا همان روزت<sup>۳۲</sup> قرار دارند. همین نقش به صورت شش دایره کوچک حول یک دایره مرکزی در قسمت تحتانی فضا در زیر شکم بز تکرار شده است (تصویر ۲۰). اگر تصور ما در این زمینه که این نقش مربوط به خورشیدخداست، صحیح باشد می‌توان تعریف هال را به این تصویر مرتبط دانست که گل سرخ، آذین گل سرخی تجسم چندین خورشیدخداي خاورمیانه است و نقش مایه آرایشی مردم‌پسندی در هنر بین‌النهرین در ادوار بعد بود (هال، ۱۳۹۲: ۳۰۲). پژوهش‌هایی ثابت نموده‌اند که کیش خورشیدپرستی در دوران کهن به‌ویژه در آسیا، اروپا و مصر باستان رایج بوده است. در قسمت فوقانی بدن بز موجودی به شکل پرنده قرار دارد که البته پرادا آن را مگس معرفی کرده است (پرادا، ۱۳۷۵: ۷۴).



تصویر ۲۱. مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و حیوانات، بدل چینی، چغازنبیل، ۱۳۰۰ ق.م، عیلام میانی، ۲۶/۶×۱۳/۸ میلی‌متر، موزه لورر - پاریس (پرادا، ۱۳۷۵: لوح ۵)

دو جانور شاخدار مشابه بز کوهی تصویر ۲۱ مانند نقوش دیگر، پاهای جلویی خود را بر روی درخت احتمالاً زندگی قرار داده‌اند. پرادا این دو جانور را آنتیلوپ<sup>۳۳</sup> نام نهاد (پرادا، ۱۳۷۵: ۷۲). در قسمت تحتانی و فوقانی سر بزها دایره‌های متحدالمرکز رسم شده‌اند. در مرکز درختی قرار دارد با تنه بسیار باریک و دو شاخه به شکل جناقی متقارن با پنج ساقه در رأس که دایره‌هایی در انتهای هر ساقه وجود دارد که ممکن است نشانه گل‌ها و یا میوه‌های درخت زندگی باشند. دایره نمادی از حرکت پیوسته و مدور آسمان بوده و با الوهیت نیز در ارتباط است... دایره در معنایی مستقیم‌تر نشان‌دهنده‌ی آسمان کیهانی است (دادور؛ منصوری، ۱۳۹۰: ۲۲۸). تصویر ستاره‌ای پنج پر نزدیک بدن بزها به چشم می‌آید که در اعتقادات مردم باستان نماد ستاره‌ها مربوط به خدایان نرینه و مادینه هستند.



تصویر ۲۲. طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و حیوانات شاخدار، بدل چینی، جغازنبیل، عیلام میانی  
۴۶/۶×۱۴/۳ میلی‌متر، موزه ایران باستان (پرادا، ۱۳۷۵: ۷۱)

بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی و آثار مکشوفه، از دیرباز به‌کارگیری نقش بز در کنار درخت مقدس یا زندگی در آثار پیش از تاریخ و پس از آن معمول بوده‌است. در تصویر ۲۲ دو حیوان باریک‌اندام مشابه بز کوهی یا غزال با شاخ‌های ظریف در دو سوی یک درخت مزین ایستاده‌اند، درحالی‌که دو پای جلویی بر روی شاخه‌ها قرار دارند و نگاهی به پشت سر دارند. با توجه به اندام و سر ظریف و فرم شاخ‌ها می‌توان احتمال داد که نقوش مذکور غزال یا آهو باشند. فرم درخت به صورتی است که سه میوه در رأس و دو پرند در دو سوی آن قرار دارند. در قسمت تحتانی به نظر می‌رسد که درخت داخل قالب یا گلدانی قرار دارد. پرندهای ایستاده در زیر پای جلویی حیوان سمت راست قرار دارد. انسانی چمباتمه زده در سمت راست فضا، گویی که دست‌های خود را بالا آورده است و دو شکل که مشابه گل روزت با شش پر در سمت راست و چپ و بالا قرار دارند. در هر دو سوی صحنه با تصویر دایری به صورت گل مواجه می‌شویم که پرادا آن‌ها را "گل سرخ" معرفی نموده‌است (پرادا، ۱۳۷۵: ۷۱). گوزنی نشسته با سر

برگردانده به عقب و شاخ‌هایی فراخ در سمت راست و بالای تصویر انسان مشاهده می‌شود. این حیوان (گوزن) برای اقوام هندواروپایی آسیای مرکزی مقدس بوده و غالباً در هنر آنان نشان داده می‌شد (هال، ۱۳۹۲: ۹۱). گوزن نیز مشابه بز و گاو نماد خورشید و باروری است. افضل طوسی عقیده دارد: گوزن نماد نیک‌خواهی، مرتبط با شرق، طلوع و روشنایی و پاکی، باززایی و احیاء، خلاقیت و الهام است (افضل طوسی، ۱۳۹۳: ۶۷). نقش دایره‌ای شبیه ستاره در سمت راست قرار دارد. در تفکرات مردم ابتدایی ضبط و ربط برخی امور در طبیعت به اجرام آسمانی و کیهانی بستگی داشته‌است. به نظر می‌رسد به دلیل تکرار گسترده ستاره نیز از اجرامی بود که به‌طور ستایش‌انگیزی در تمدن عیلام قابل توجه بوده و به اعتقادات مذهبی جامعه مرتبط بوده است. درخت نقش‌شده در این اثر مشابه درخت منقوش بر روی پلاک عاج یافت‌شده از چغازنبیل است. از طرفی ظرافت‌های بز کوهی این مهر استوانه‌ای و پرندگان نزدیک به نوک درخت یادآور مهرهای استوانه‌ای زیبایی کاسیت می‌باشد (پرادا، ۱۳۷۵: ۶۷).



تصویر ۲۳. طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و بزهای کوهی، بدل چینی، چغازنبیل، قرن ۱۳ ق.م، ۴۷ × ۱۶/۲ میلی‌متر، موزه تهران، (پرادا، ۱۳۷۵: ۷۳)

در تصویر ۲۳ دو بز کوهی با شمایی متفاوت و شاخ‌های منحنی خاص، به حالت ایستاده در مقابل درخت زندگی قرار دارند. بز سمت راست پای جلویی خود را بر روی درخت نهاده و بز دیگر بدون تکیه بر درخت ایستاده و هر دو به‌صورت نمادین در حال تغذیه از شاخ و برگ هستند. نکته قابل توجه آن است که درخت ترسیم‌شده دارای تنه‌ای باریک، فرمی مشابه برگ بزرگ در قسمت فوقانی و دوشاخه باریک در ذیل هستند. یک شخصیت انسانی در سمت چپ به حالت نیم‌رخ ایستاده با کلاهی گرد، لباسی دامن‌دار، منقوش دست‌های خود را به حالتی نیایش‌گونه بالا آورده، او بینی درشت دارد و دایره‌ای در وسط صورت او ترسیم شده است. در اطرافش نقوشی شبیه ماهی و اشکال غیرقابل تشخیص دیگری به چشم می‌آیند. ماهی نیز از عناصر

تکراری و نمادین به کاررفته بر مهرهای عیلام است. ماهی نماد حاصل خیزی و باروری بود. و حتی در آیین‌های کهن نماد ثروت و فراوانی، ازدواج و باروری بوده است. هال می‌نویسد: آ<sup>۳۴</sup> خدای سومری آب تازه، دارای شکل ماهی یا بزی با دم ماهی (اصل و منشأ برج جدی) است. کاهنانش در دوره نوآشوری، جامه‌ای به صورت ماهی به تن داشتند (هال، ۱۳۹۲: ۱۰۰). یک ستاره شش‌پر در سمت راست و ستاره‌ای دیگر در سمت چپ قرار دارد. به نظر پرادا در اینجا بزهای کوهی به حالت ایستاده در کنار یک درخت طراحی شده‌اند، ولی به نظر می‌رسد که وضعیت عمودی آن‌ها مورد تهدید است. این حیوانات شاخ‌دار روی دو پای عقب خود ایستاده‌اند، نه تنها برای این که برگ‌های یک درخت را بچرند، بلکه خود را در حالت یک نبرد قرار دهند. به نظر این امکان وجود دارد که تعبیر حالت این حیوانات به مثابه یک رفتار جنگی صحیح باشد. با این حال باید گفت که فقط شکار چیان کوهستان‌ها می‌توانسته‌اند شاهد جنگ بزهای کوهی برپایستاده باشند. اگر این بن‌مایه جزو سیاهه‌های چغازنبیل است، باید برای عیلامی‌ها دارای نشان و معنای خاصی باشد. شخصیت ترسیم‌شده احتمالاً یک ستایشگر است و همین امر در حکاکی آشوری به فعالیت شکارگری یا جنگ‌جویی مربوط می‌شود. با این همه، ما قبلاً نقش یک ستایشگر را با پیراهنی کاملاً کوتاه در مهرهای استوانه‌ای عیلامی یافته‌ایم (پرادا، ۱۳۷۵: ۶۸).



تصویر ۲۴. طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و حیوان، بدل چینی، چغازنبیل (عیلام میانی)،  
۴۴×۱۶ میلی‌متر، موزه تهران (پرادا، ۱۳۷۵: ۷۳)

بر مهر دیگری تصویر حیوانی مشابه بز پاهای خود را بر روی درختی با فرمی خاص قرار داده است. این درخت احتمالاً زندگی با تنه‌ای مرکزی باریک دارای شاخ و برگ‌های بزرگ منحنی‌شکل و کاملاً فراخ است. در قسمت پایین بدنه درخت نزدیک به زمین هم دوشاخه یا برگ هلالی روئیده و مقداری از ریشه آن مشخص است. درختی مشابه نخل با عناصری کاملاً قرینه و تنه دندانه‌ای، در سمت راست وجود دارد که با شاخه‌های برگشته از درون ظرف یا گلدانی سر برآورده است. با توجه به شکل ظاهری، پرادا آن را درخت خرما معرفی می‌کند (پرادا، ۱۳۷۵: ۶۹). در فضای میانی دو درخت، سه فرم ماهی‌شکل در حالتی رو به سوی زمین قرار دارند. مسلم است که حضور این علائم احتمالاً تنها جنبه تزئینی نداشته، بلکه بیانگر پاره‌ای از باورهای عیلامیان درباره حاصل خیزی و باروری است (تصویر ۲۴).

با توجه به موارد ذکر شده نتایج مطالعه دیداری الگوی درخت زندگی بر مهرهای عیلام باستان نشان می‌دهد، ساختار پیوسته و هماهنگ فرم درخت زندگی، موجب نمایش این عنصر به صورت سیال و پویا شده که با بهره‌گیری از خطوط ساختمند و تغییر در انحنا و ضخامت

آن‌ها صورت گرفته است. ویژگی‌هایی چون گرایش به ساده‌سازی، خلق اسکلت دقیق، هندسی و ریاضی‌گونه درخت زندگی در برخی مهرها، موجب نمایش استقرار این نقش به‌عنوان یک عنصر اصلی یا فرعی و جزیی در کنار دیگر عناصر شده که شرح آن‌ها در جدول ۱ مشاهده قابل مشاهده است.

جدول ۱: تحلیل مصادیق دیداری درخت زندگی در عیلام (نگارنده)

موضوع	تحلیل مصادیق دیداری درخت زندگی و شیوه برداشت هنرمند	موضوع	درخت زندگی	تحلیل مصادیق دیداری درخت زندگی و شیوه برداشت هنرمند	موضوع
طرح مهر استوانه‌ای با نقش بز کوهی و درخت، عیلام آغازین، شوش، ۲۹۰۰-۳۱۰۰ ق.م، (پوپ، ۱۳۸۷:۳۶۷)	طرح مهر استوانه‌ای با نقش انسان قهرمان و درخت، شوش، اوایل هزاره دوم ق.م. (بیانی، ۱۳۷۵:۷۶)	طرح مهر استوانه‌ای با نقش موجودات درخت، چغازنبیل، ۱۳۰۰ ق.م عیلام میانی، (پرادا، ۱۳۷۵:۱۳۷)		توجه به تکرار و ایجاد ریتم پیوسته و هماهنگ موجب نمایش فرم درخت زندگی به صورت سیال و پویا شده است.	طرح مهر استوانه‌ای، ایلام قدیم، ۲۰۰۰ ق.م، (iranatlas.info)
طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت زندگی و حیوانات، شوش، ۲۶۰۰-۳۰۰۰ ق.م، (صمدی، ۱۳۸۳:۱۷۳)	طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درختان و بز چغازنبیل، قرن ۱۳ ق.م. (پرادا، ۱۳۷۵:۷۴)	طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و حیوانات، چغازنبیل، ۱۳۰۰ ق.م عیلام میانی، (پرادا، ۱۳۷۵:۱۳۷)		به کارگیری خطوط ساده و منحنی جهت ترسیم تپه‌های پشت‌های	طرح مهر استوانه‌ای با نقش درخت و بزهای کوهی، شوش، ۲۹۵۰ ق.م، (Amiet، ۱۳۸:۱۹۷۲)
طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و بزهای کوهی، شوش، ۲۹۵۰ ق.م، (Amiet، ۱۳۸:۱۹۷۲)	طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و بز چغازنبیل، قرن ۱۳ ق.م. (پرادا، ۱۳۷۵:۷۴)	طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و حیوانات، چغازنبیل، ۱۳۰۰ ق.م عیلام میانی، (پرادا، ۱۳۷۵:۱۳۷)		گرایش به ساده‌سازی و ایجاد انحنا و تغییر ضخامت خطوط در تداعی فرم درخت	طرح مهر استوانه‌ای با نقش درخت و بزهای کوهی، شوش، هزاره سوم ق.م، (Pezard، ۱۰۰:۱۹۱۱)
طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و بزهای کوهی، شوش، هزاره سوم ق.م، (Pezard، ۱۰۰:۱۹۱۱)	طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و بز چغازنبیل، قرن ۱۳ ق.م. (پرادا، ۱۳۷۵:۷۴)	طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و حیوانات، چغازنبیل، ۱۳۰۰ ق.م عیلام میانی، (پرادا، ۱۳۷۵:۱۳۷)		گزینش تصویری مبتنی بر تشابه با فرم طبیعی درخت	طرح مهر استوانه‌ای با نقش درخت، شوش، هزاره سوم ق.م، (Toscanne، ۱۷۹:۱۹۱۱)
طرح مهر استوانه‌ای با نقش درخت، شوش، هزاره سوم ق.م، (Toscanne، ۱۷۹:۱۹۱۱)	طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و بز چغازنبیل، قرن ۱۳ ق.م. (پرادا، ۱۳۷۵:۷۴)	طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و حیوانات، چغازنبیل، ۱۳۰۰ ق.م عیلام میانی، (پرادا، ۱۳۷۵:۱۳۷)		فرم ساختارگرا و القای بعد و عمق در قالب تکرار و ریتم خطوط	طرح مهر استوانه‌ای با نقش درخت، شوش، هزاره سوم ق.م، (Delaport، ۲۹:۱۹۲۰)
طرح مهر استوانه‌ای با نقش درخت، شوش، هزاره سوم ق.م، (Delaport، ۲۹:۱۹۲۰)	طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و بز چغازنبیل، قرن ۱۳ ق.م. (پرادا، ۱۳۷۵:۷۴)	طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و حیوانات، چغازنبیل، ۱۳۰۰ ق.م عیلام میانی، (پرادا، ۱۳۷۵:۱۳۷)		ایجاد جنبش دیداری و القا حرکت به وسیله تکرار و ریتم منحنی‌های موزون و دایره‌های یکسان	طرح مهر استوانه‌ای با نقش صحنه پرستش، شوش، ۱۷۰۰-۲۰۰۰ ق.م، (پرادا، ۱۳۸۶:۵۰)
طرح مهر استوانه‌ای با نقش صحنه پرستش، شوش، ۱۷۰۰-۲۰۰۰ ق.م، (پرادا، ۱۳۸۶:۵۰)	طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و بز چغازنبیل، قرن ۱۳ ق.م. (پرادا، ۱۳۷۵:۷۴)	طرح مهر استوانه‌ای با نقوش درخت و حیوانات، چغازنبیل، ۱۳۰۰ ق.م عیلام میانی، (پرادا، ۱۳۷۵:۱۳۷)		بهره‌گیری از اشکال انتزاعی و توجه به معیارهای زیبایی‌شناسی در آفرینش مضامین تازه از درخت زندگی	

	بهره‌گیری از تدابیر خاص برای ایجاد فرم تازه‌ای از درخت زندگی با بهره‌گیری از عناصر طبیعی چون فرم خورشید و دایره‌های دوار	مهر استوانه‌ای، دو فرشته نگهبان بالدار در دو طرف درخت تزئینی، شوش (پاتس، ۱۳۸۵: ۴۶۶)		گزینش تصویری از فرم درخت نخل به مثابه نمودی از درخت زندگی	طرح مهر استوانه‌ای با نقش صحنه پرستش، شوش (عیلام قدیم)، ۲۰۰۰-۱۷۰۰ ق.م. (پرادا، ۱۳۸۶: ۴۹)
	ترسیم خطوط با انعطاف پذیری بالا و نزدیک به فرم طبیعی گیاه درخت	مهر استوانه‌ای، دو جانور شاخ‌دار در دو طرف درخت زندگی، شوش (پرادا، ۱۳۸۶: ۵۷)		بهره‌گیری از فرم طبیعی درخت به عنوان بخشی از طبیعت	مهر استوانه‌ای با نقش مارخدا و درخت سرو، شوش، ۲۳۰۰ ق.م. (بیانی، ۱۳۷۵: ۶)
	ثبات و ایستایی خطوط/ به ویژه خط عمودی مرکزی در نقش درخت زندگی انرژی نهفته‌ای را در ذهن تداعی می‌کند.	اثر مهر استوانه‌ای، اواخر عیلام نو (پاتس، ۱۳۸۵: ۴۶۱)		انتخاب نقش گویای شاخه در قالب فرم ساده برای تداعی مفهوم درخت زندگی	طرح مهر استوانه‌ای با نقش مار خدا، شوش، ۱۵۰۰-۱۸۵۰ ق.م. (Toscane، ۲۰۰۲: ۱۹۱۱)

### یافته‌های پژوهش

- با توجه به آنچه ذکر شده، مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر شامل موارد ذیل است:
۱. درخت زندگی پیش از آن که خیال‌پردازی نقش‌آفرینان عیلامی باشد، مرتبط با اعتقادات مذهبی آنان بوده است.
  ۲. ارزش و معنای درخت زندگی در عیلام بی‌وقفه در ارتباط با مفاهیم حاصل‌خیزی، باروری و زایش بوده است.
  ۳. برخی از نمادها چون حیوانات، اجرام آسمانی، خدایان و الهه‌ها به کاررفته در کنار درخت زندگی نیز دربردارنده مفهوم باروری هستند.
  ۴. مضمون جفت‌های درخت زندگی بر مهرهای عیلام، بیشتر با نقش بز متجلی شده است.
- بر اساس پرسش مفاهیم نقش درخت زندگی بر مهرهای عیلام در نمودار ۲ قابل مشاهده است.



نمودار ۲. درخت زندگی و عناصر مرتبط با مفاهیم باروری در عیلام (نگارنده)

## نتیجه

مهرهای عیلام که احتمالاً با هدف بقای محتوا و مفاهیم تجلیات مقدس خلق شده‌اند، از شکل‌های مأنوس و آشنای موجود در طبیعت چون درخت زندگی ساخته شده‌اند. بی‌تردید صورت مثالی درخت زندگی به‌عنوان مهم‌ترین منبع زایش، باروری، تولد دوباره و احیا در تمدنی چون تمدن عیلام شمرده می‌شد. به‌کارگیری عناصری نمادین چون حیوانات مقدس و اجرام آسمانی مرتبط با زایش در کنار نقش درخت زندگی، در دوام و بقای ذهنیت پایدار از این عنصر، مشابه آنچه در سیر پیشاتاریخی و تمدن‌های کهن شاهد آن بوده‌ایم، تأثیرگذار بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان بیان نمود که به‌کارگیری نقش درخت زندگی بر مهرها، نمودگار فهم جامع از واقعیت اعتقادی جامعه عیلام در آن دوره بوده و امروزه نیز درک عقلانی این امر با توجه به اهمیتی که در مورد برخی از درختان چون آقادار و سرو در مناطقی از ایران و در ادیانی چون زرتشتی وجود دارد، میسر است. به‌عبارتی دیگر این عنصر با مفاهیم تزلزل‌ناپذیرش در طول تاریخ برخلاف بسیاری از عناصری که یکدیگر را نقض کرده‌اند، در حکم نوعی تعلق داشتن به تاریخ همچنان به حیات خود ادامه داده است. درنهایت بررسی اسناد تصویری یاد شده، دلالت بر این موضوع دارد که در لایه‌های کهن فرهنگ‌های ابتدایی، چگونه خدایان و عناصری از طبیعت چون درخت زندگی و برخی حیوانات در چهارچوب اعتقادات مقدس نمایان شده‌اند. به نظر می‌رسد چنین ارزش‌گذاری‌هایی بر نماد درخت زندگی در عیلام به‌مراتب ارزنده و معتبر می‌باشند؛ زیرا باوجود کاربرد یکنواخت بر آثار نشان از سعی و مشقت نقش‌آفرینان در توضیح و تفسیر تفکرات حاکم دارند. اگر مجموعه نقوش روی این مهرها را به‌عنوان استناد تصویری در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد بسط و گسترش معتقدات مربوط به زاینده‌گی به‌طور مستقیم با حیات مذهبی مردم عیلام در ارتباط بوده و طبق بررسی‌های مذکور این ضابطه مربوط به بخش اعظمی از جامعه عیلام بوده است.

## پی‌نوشت

1.Roger Cook  
.John R. Hinnells  
.James Hall  
.Mesopotamia  
.Akkadian Language  
.Hatamti  
.Ha(l)tamti  
.Dūr Untash  
.Chogha Zanbil  
.Malyan  
.Simash  
.Awan  
.Old Elamite period  
.Middle Elamite period  
.Neo-Elamite period  
.Ashurbanipal  
.Achaemenid Empire  
.Cylinder Seal  
.Mircea Eliade  
.Mashya and Mashyana  
.Keyumars  
.Palm, Palmette  
.Dilmun  
.Huban  
.Inshushinak  
.Terra Mater Magna Mater  
.Enki  
.Ningishzideh  
Gude 29. از فرماترواین میان‌رودان جنوبی (۲۱۲۴-۲۱۴۴ پیش از میلاد)  
.Lagash  
.Napir  
.Rose, Rosette  
.Antilopa  
.EA

## منابع

- افضل طوسی، عفت السادات (۱۳۹۳)، طبیعت در هنر باستان، چاپ اول، تهران: دانشگاه الزهرا (س).
- الیاده، میرچا (۱۳۸۹)، رساله در تاریخ ادیان، چاپ چهارم، تهران: سروش.
- بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۷۱)، گردونه‌ی خورشید یا گردونه‌ی مهر، چاپ اول، تهران: فروهر.
- به لک، جرمی (۱۳۸۴)، فرهنگنامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر.
- پاتس، دانیل (۱۳۸۵)، باستان‌شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- پرادا، ادیت (۱۳۷۵)، چغازنبیل (دور - اونتاش)، ترجمه اصغر کریمی، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: سازمان میراث



فرهنگی کشور.

- پرادا، ادیت (۱۳۸۶)، هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتور اپهام، اکرمین، فیلیپس (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران، مترجمان نجف دریابندری و دیگران، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- جایز، گرتود (۱۳۸۰)، سمبل‌ها (بخش جانوران)، ترجمه محمدرضا بقاء پور، چاپ اول، تهران: مترجم.
- دادور، ابوالقاسم؛ منصور، الهام (۱۳۹۰)، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران: دانشگاه الزهرا - کلهر.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۸۷)، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، چاپ سوم، تهران: مرکز.
- شوالیه، ژان ژاک - گریبان، آلن (۱۳۷۹)، فرهنگ نمادها: اساطیر، رؤیاها، رسوم، ایماء و اشاره، اشکال و قوالب، چهره‌ها، رنگ‌ها، اعداد: از حروف "ب" تا "ج"، ترجمه سودابه فضایی، جلد سوم، تهران: جیحون.
- صمدی، مهرانگیز (۱۳۸۳)، ماه در ایران از قدیمی‌ترین ایام تا ظهور اسلام، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرتیس، جان (۱۳۷۸)، ایران کهن، ترجمه خشایار بهاری، چاپ اول، تهران: کارنگ.
- کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۷۲)، رؤیا، حماسه، اسطوره، تهران: مرکز.
- کوک، راجر (۱۳۸۷)، درخت زندگی، ترجمه سوسن سلیم‌زاده و هلینا مریم قائمی، تهران: جیحون.
- کوپر، جی. سی (۱۳۸۹)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: نشر نو.
- گرین، ویلفرد و دیگران، (۱۳۷۶)، مبانی نقد ادبی، فرزانه طاهری، تهران: علمی و فرهنگی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۶)، تاریخ و تمدن عیلام، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مزدایور، کتابیون (۱۳۸۲)، زرتشتیان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- والاد، فرانسوا (۱۳۷۳)، شوش و عیلام، ترجمه آ. همپارتین، مجله میراث فرهنگی ویژه نخستین گردهمایی باستان‌شناسی ایران، شماره دوازدهم تابستان و پاییز.
- هال، جیمز (۱۳۹۲)، فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، چاپ ششم تهران: فرهنگ معاصر.

- Amiet, Pierre (1972), Glyptique Susian, Memoires de la delegation en Persian. T. XLIII, vol. I&II, Parise.
- Delaporte, L.(1920-1923), Ca talogue des cylindres, etc.,. Paris: Musee du louvre
- Eliade, M.(1987), The encyclopedia of religion. vol. VII, , New York, London.: Macmillan , publishing company
- Jacobsen(1939), The Sumerian King list, Chicago.
- Rezghirad, Maryam(2017), Analytical and Semantic Survey of the Symbols of the Tree of Life and Goat in Jiroft. Journal of History Culture and Art Research, Vol. 6, No. 1, February 2017.
- Toscanne, Paul(1911), Etudes sur le serpent figure et symbole dans l antique Elamite, Vol XII, Paris: Memoires de la Delagation en Persian
- Pezard, Par Maurice (1911), Etud sur les intaill susiennes, Delegation en perse, Memoires, Tome XII.
- Price, Ira Maurice(1900), Notes on the Pantheon of the Gudean Cylinders, The American Journal of Semitic Languages and Literatures, Vol.17. No 1.
- Wilson, Ava (1994), Year of ornament, British museum, Dictionary of Ancient Egypt, Thames & Hudsonm.
- http://www.fao.org/docrep/006/y4360e/y4360e06.html (access date: 96/05/09) URL1.-
- URL2. https:// www.mimplus.ir(access date: 96/03/01)
- URL3. https:// www.iranatlas.info(access date: 96/04/20)